

همزه در زبان فارسی



زبان فارسی که بعنوان دستگاهی از علائم نظام یافته آوایی قرار دادی برای برقراری ارتباط بین فارسی زبانان بکار میرود دارای ویژگیهایی است که اختصاص بخود آن دارد، البته شك نیست که برخی از مسائل زبان بین تمام زبانهای دنیا مشترك است. از این قبیل میتوان وجود دستگاه و استفاده از صوت را نام برد، ولی از طرفی نظام واحها (۱) یا واج آرائی و همچنین ساختمان واژکها (۲) در تمام زبانها یکسان نیست و در این مورد هر زبانی دارای نظام خاصی است که از ویژگیهای همان زبان بشمار میرود. زبان فارسی نیز بجز موارد مشترك که با آنها اشاره شد دارای ویژگیهایی است که مجموع آن ویژگیها با هیچ زبان دیگری

مطابقت ندارد. از همین نظر است که برای نوشتن «دستور زبان فارسی» باید بتحلیل و بررسی و توصیف زبان فارسی پرداخت و باموازین علمی زبانشناسی این دستگاه نظام یافته را بررسی کرد و بهمین دلیل بهیچ وجه نمیتوان قواعد زبان دیگری را برای این زبان معتبر دانست.

یکی از مواردی که در دستور زبان فارسی سنتی، دستخوش تعبیرها و توصیفهای غلط و دور از واقعیت شده «همزه» میباشد، عجب آنکه گاه تعریفهایی بدست میدهند که نه فقط باواقعیت نزدیک نیست، بلکه کاملاً در جهت معکوس مطالب را به رشته تحریر کشیده‌اند و بنام قواعد قطعی دستور زبان جهت «درست سخن گفتن و درست نوشتن»، بزبورطبع آراسته‌اند.

در بسیاری از کتابها برای تحلیل و توصیف این مقوله مسئله خط و زبان را در هم آمیخته و بین توصیف رسم الخط و تلفظ و نقش واجی آن حیران و سرگردان درمانده‌اند. برخی نیز از روی قواعد صرف و نحو عربی حکمهای نادرستی بمیان آورده‌اند که بهیچ وجه در زبان فارسی مصداق ندارد و عجب آنکه اکثر دستورهای بعدی نیز باعتبار نام نویسندگان که همه از استادان بنام بشمار میروند عیناً مطالب آنان را رونویس کرده و بچاپ رسانیده‌اند، دریک دستور زبان چنین میخوانیم:

«فرق میان همزه و الف آنستکه همزه قبول حرکت کند و الف همیشه ساکن باشد مثل:

۱- ابر - اسب - ایراج - اختر - افکند .

۲- داد - باد - ردا - جدا - بادام .

همزه در زبان فارسی در اول کلمه درآید و آخر کلمه واقع نگردد و کلماتی

که دارای همزه وسط و آخرند از زبان عربی گرفته شده‌اند « (۱) در يك کتاب ديگر دستور زبان سنتی ، در این مورد مطالبی بچشم می‌خورد که مشابه تعریف سابق‌الذکر است و چنین سخن میراند : « همزه میتواند حرکت داشته باشد مانند ابر و لی الف چون خود از حرکات است دیگر نمیتواند حرکتی داشته باشد مانند باز، همزه در اول همیشه بشکل الف نوشته میشود مانند مأذون - بئر - مؤمن - مآل - لثام - سؤال - مگر اینکه ماقبل همزه مفتوح ساکن یا الف باشد » (۲) .

اشکال کار این است که اکثر مصوت a آغازی را با همزه که خود يك واج مستقل در زبان فارسی بشمار میرود اشتباه کرده‌اند و همچنین بست چاکنائی (حلقی) که در شروع مصوتهای آغازی زبان فارسی وجود دارد واز ویژگیهای اینگونه مصوتهای آغازی بشمار میرود « همزه » نامیده‌اند واز همان مقوله همزه بشمار آورده‌اند که در وسط یا پایان کلمات در تلفظ ادبی زبان فارسی خود نمائی میکند، چنانکه گاه چنین می‌خوانیم : « همزه در فارسی مانند هر کنسین دیگر گاهی در اول کلمه می‌آید مثلاً در احمد و علی و آمد و عالی ، گاهی در وسط مثلاً در مؤمن و معبد و مسعود و مسؤل و بالاخره گاهی در آخر مثلاً در شیئی و بطوء و بطی و منبع و تابع ... » (۳) ملاحظه میشود که نویسنده آن عبارات مانند دستور نویسان سنتی

۱ - از دستور زبان فارسی تألیف آقایان عبدالعظیم قریب، ملک الشعراء بهار - بدیع الزمان فروزانفر رشید یاسمی . . . چاپ کتابخانه مرکزی ص ۵ - تعریف تفاوت همزه و الف بصورت سابق‌الذکر قبلاً هم در دستور زبان فارسی اثر عبدالعظیم قریب چاپ بیستم تهران ۱۳۲۶ ص ۹ آمده است .

۲ - از دستور زبان فارسی تألیف دکتر خیام‌پور استاد دانشگاه تبریز ، انتشارات

نیل ۱۳۴۱ ص ۱۶

۳ - از مینای ریاضی ، عروض فارسی نگارش مسعود فرزاد چاپ تهران ۱۳۴۵ ص ۳

مصوت‌های آغازی را از مقوله صامت‌ها (که کلمه کنسون را برای آن بکار برده‌اند) دانسته و مصوت‌های آغازی را با صامت بستواج چاکنائی که همزه باشد مخلوط کرده‌اند. استاد فقید دکتر محمد معین هم این قبیل مصوت‌های آغازی را همزه شمرده و a در کلمه ابر o در کلمه استاد e در کلمه امروز را بنام همزه مفتوح همزه مضموم کوتاه و همزه مکسور کوتاه ذکر کرده است (۱) بطور مختصر باید ذکر کنم که اکثر دستورهای سنتی زبان فارسی تصور کرده‌اند که تلفظ همزه در زبان فارسی فقط در اول کلمه وجود دارد و اعتقاد دارند که در میان و آخر کلمه همزه در زبان فارسی وجود ندارد.

این عقاید ایرانشناسان خارجی را نیز تحت تأثیر قرار داد و آنان نیز در دستورهای زبان فارسی که نگاشته‌اند مسائل مربوط به صرف و نحو زبان عربی را داخل کرده و بجای توصیف مطلب بر مسئله رسم الخط «همزه» بدون توجه به نقش کلی این واج در زبان فارسی مطالبی نگاشته‌اند (۲) حال که شمه‌ای از مطالب دستورهای سنتی را در این مورد بمیان آوردیم، لازمست خود توضیحی در کیفیت این واج بدست دهیم.

همزه در زبان فارسی امروز از گروه صامت‌ها است و از نظر شیوه تولید در ردیف صامت‌های انسدادی (Plosive) بشمار می‌آید، همچنین از نظر محل تولید یا واجگاه يك بستواج حلقی «Glottal» است این سینا کیفیت آنرا چنین ذکر کرده

۱ - رجوع شود به مقدمه دکتر محمد معین بر «برهان قاطع» جلد اول چاپ زوار-

تهران ۱۳۳۰ شمسی ص صد و پنجاه و شش.

۲ - دستور زبان فارسی از خانم لمبتون استاد دانشگاه لندن ص پانزدهم و ۱۸۳

است ، همزه از آن پدید میآید که هوای بسیار از حجاب و عضله سینه بقوت رانده شود و طرجهالی (۱) اندک زمانی بارانده شدن هوا مقاومت کند سپس بوسیله عضله کشانیده دفع و از جاکنده شود و هوا با آن پرتاب گردد ، (۲)

تعریفی که ابوعلی بن سینا از این واج میکند روشنگر دقت علمی و اندیشه دقیق آن دانشمند بزرگ میباشد ، چه امروز هم که با دستگاههای عکس برداری اشعه ایکس از نظر چگونگی اجرا و محل ادای آن ، اندامهای گفتاری را مورد بررسی قرار میدهیم ملاحظه میکنیم که ابن سینا بادقت خاص خود انسدادی بودن این بستواج را دریافته و ضمن تعریف این مقوله را بمیان آورده است .

در صامتهای انسدادی یا بستی در نقطه‌ای از محل عبور هوا انسداد حاصل میشود و در نتیجه هوا پشت آن مانع جمع شده و سپس بمجرد از بین رفتن سدیا مانع ، هوا ناگهان خارج میشود . پروفیسور آندره مارتینه استاد دانشگاه سوربن چگونگی ایجاد همزه را چنین توصیف می کند :

«انسداد یا گشایش ناگهانی چاکنای باعث ایجاد [?] (همزه) میشود که آنرا بستواج چاکنائی مینامند ، گاهی بست چاکنائی ممکنست با اصوات دیگر همراه باشد ، (۳)

۱ - ابن سینا حنجره را مرکب از سه عضروف میداند یکی در جلو و دیگری در پشت آن و عضروف سوم را مانند کاسه‌ای ذکر میکند که بر آن دو واژگون شده و اصطلاح طرجهالی را برای عضروف سوم آورده است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به ص ۵۶ مخارج الحروف با مشخصات زیر) .

۲ - مخارج الحروف یا اسباب حدوث الحروف تصنیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا ترجمه و تصحیح دکتر پرویز خانلری چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۳ ص ۶۰

۳ - André Martinet , Elements of General Linguistics .

برخی دیگر از زبان‌شناسان این صورت را یکنوع «گرفت» تارآواها تلقی کرده‌اند چنانکه هاکت استاد دانشگاه کرنل در این باره چنین اظهار نظر میکند «... ممکنست تارآواها بطور محکم بهم کشیده شوند، آنچنانیکه این انسداد مانع از عبور هوا شود و این حالت باعث ایجاد بست چاکنائی میگردد. در زبان انگلیسی گاه تعجب مؤکد مانند Ouch! بابست چاکنائی شروع میشود گویانکه از نظر واجی کلمه بایک مصوت شروع شده است در بسیاری از زبانها بستهای چاکنائی غالباً در مقابل واجی با سایر اصوات زبان واقع میشود» (۱) اتفاقاً زبان فارسی از آتقییل زبانهایست که مشمول مورد اخیر الذکر میشود و این بست چاکنائی که در مواضع میانی و پایانی باید آنرا بستواج چاکنائی بنامیم با سایر واجهای زبان فارسی در تقابل است. در زبان انگلیسی مانند مصوتهای آغازی فارسی این بست متباین نیست، مثال برای موردی که هاکت در فوق بآن اشاره کرده است در زبان انگلیسی زیاد نیست مگر در حالتهایی که همزه گونه آزادی از / t / بشمار رود که در آخر هجای قبل از صامت واقع شود و بسیاری انگلیسی زبانها شاید خود آگاهی نداشته باشند که برای واژه‌هایی مانند Fort-Night دو گونه تلفظ بکار میبرند که در حقیقت یکی گونه آزاد دیگر بشمار میرود، معیندا در گویش کاکنی Cockney یعنی لهجه مردم طبقه سوم لندن صورتهایی از این صوت فراوان بگوش میخورد (۲) در زبان عربی تمام مصوتهای آغازی با یکنوع بست چاکنائی شروع میشود

Charles , F. Hockett , A course in Modern Linguistics . PP . 65 . - ۱

۲ - برای اطلاع بیشتر در این باره باین دو کتاب رجوع شود .

R . H. Robins . General Linguistics . PP . 88

John Lyons , Introduction to Theoretical Linguistics . PP . 115 .

و در واقع مصوت‌های آغازی زبان عربی از این نظر با واژه‌های آغازی زبان آلمانی مشابهت دارد (۱۱) .

در زبان فارسی امروز نیز مانند همزه تلفظ میشود در کلیه کلماتی که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده است و در صورت مکتوب دارای ع میباشد حرف اخیر الذکر در تلفظ فارسی بصورت همزه تلفظ میشود .

آنچه که دستور نویسان بعنوان همزه ذکر کرده‌اند و ادعا نموده‌اند که در اول کلمات فارسی می‌آید و شواهدی چند از آن در آغاز این نوشته آمد ، در حقیقت همزه نیست بلکه مصوت‌های آغازی زبان فارسی میباشد ، مثالهایی که ذکر میکنند خود شاهد این مطلب است مانند ابر /abr/ اسب /asb/ ایرج /iraj/ استاد /ostād/ امروز /emruz/ و از این قبیل البته تفاوتی که مصوت‌های میانی و پایانی دارد این است که مصوت‌های آغازی زبان فارسی بایک نوع بست چاکنائی شروع میشود و از این نظر مشابهتی با مصوت‌های آغازی زبان آلمانی دارد ، و در حقیقت این بست جزو خاصیت مصوت‌های آغازی زبان فارسی بوده و بهیچ وجه صامت محسوب نمیشود .

هرگاه نام همزه را به صامتهائی نظیر آخرین صامت کلمه سوء اطلاق کنیم دیگر جایز نیست مصوت‌های آغازی را نیز از همین مقوله تصور کرده و اطلاق کردن نام همزه بآ تقبیل مصوتها خطا است . مصوت‌های آغازی زبان فارسی خود يك واج مستقل محسوب میشوند .

بست چاکنائی که نقطه شروع این مصوتها است هیچگونه نقش واجی (فونولوژیک) ندارد و حتی کلماتی هم که از زبان عربی بفارسی وارد شده و با

ع شروع میشود (مانند عالم - عباد و از این قبیل) در زبان فارسی با مصوت آغاز شده و بست آغازی مصوتها بهیچ وجه متباین نیست. نگارنده با آزمایشهای متعدد وسیله دستگاه‌های دقیق آزمایشگاهی مانند نوسان نما و طیف نگار صوتی Cathode - Ray - Oscilloscope , Audio spectrum Analyzer

مصوت‌های فارسی را بررسی و اندازه‌گیری کرده‌ام، امتداد زمانی بست مذکور که در آغاز مصوت‌های آغازی فارسی می‌آید ۰.۲ ثانیه میباشد.

لازم بذکر است که بسیاری از واجهای زبان عربی مانند ع - ح - ث با کلماتی که از زبان عربی بفارسی آمده بزبان فارسی راه نیافت و فقط در صورت مکتوب باقیست ولی همزه در زبان فارسی امروز وجود دارد و بخلاف رأی دستور نویسان که نگاشته‌اند «همزه فقط در اول کلمات می‌آید و در وسط و پایان کلمه در زبان فارسی وجود ندارد» باید ذکر کنم که همزه در زبان فارسی بهیچوجه در اول کلمات ظاهر نمیشود و درست بخلاف گفته آنان. در وسط و پایان کلمات ظاهر میشود. بدو دلیل همزه را جزو دستگاه واجی زبان فارسی ذکر میکنیم.

۱ - همزه در گفتار رسمی و ادبی زبان فارسی ظاهر میشود.

۲ - همزه در وسط و آخر کلمات در زبان فارسی نقش تمایز دهنده‌گی دارد

و متباین است و بهمین علت است که بعنوان يك بستواج حلقی در جدول صامتهای زبان فارسی بشماید.

همانگونه که ذکر شد وجود یا عدم بست در ابتدای مصوت‌های آغازی زبان فارسی هیچگونه نقش در این زبان ندارد در فهرست زیر در ردیف چپ کلمات با مصوت آغازی توأم با بست چاکنائی و در ردیف راست مصوت‌های بدون بست مذکور آورده شده‌اند:

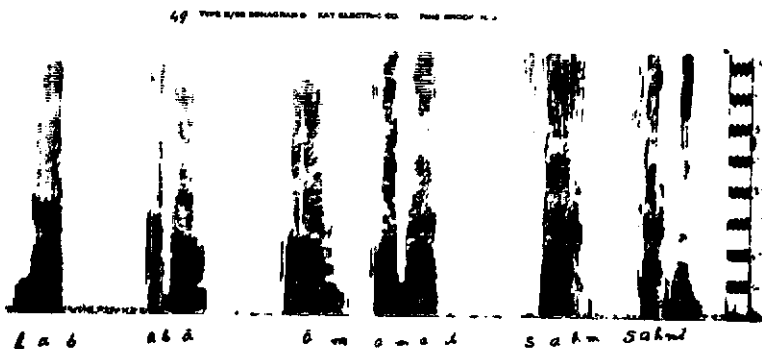
| | |
|-------------|------------|
| [ʔabr] | [abr] |
| [ʔostād] | [ostād] |
| [ʔaxtar] | [axtar] |
| [ʔafkandan] | [afkandan] |
| [ʔāb] | [āb] |

همانگونه که ملاحظه میشود وجود یا عدم بست چاکنائی [ʔ] در دستون فوق هیچگونه تغییری در معنای کلمات حاصل نمیکند. بست مصوت‌های آغازی هنگامیکه تکیه روی هجای اول کلمه واقع شود شدیدتر ادا میشود ولی بهر حال هیچگاه متباین نیست.

در آزمایشهایی که نگارنده بعمل آوردم وجود بست مذکور در شروع مصوت‌های آغازی زبان فارسی ثابت گشت در آوانگاشته زیر که با دستگاه طیف نگار تهیه شده خطوط عمودی که در ابتدای مصوت‌های آغازی /a/ و /ā/ بچشم میخورد نشانه بست چاکنائی مورد بحث است، این آوانگاشته با حساسیت ۴۰۰۰ - ۴۰ سیکل در ثانیه ضبط شده، مدت زمان (امتداد) بست مذکور طبق محاسبه‌ایکه انجام دادیم ۰.۲ ثانیه برآورد شده است.

مصوت a در کلمه /lab/ در آوانگاشته زیر بدون بست آغازی میباشد در حالیکه همین مصوت در شروع کلمه /aba/ دارای بست آغازی است. همچنین در کلمه /ām/ مصوت آغازی دارای بست ابتدائی میباشد (خط عمودی قبل از مصوت) و بهمین ترتیب است در کلمه /āmad/ در حالیکه مصوت میانی a

در کلمه اخیر الذکر فاقد بست مذکور است .



همزه بین دو مصوت در زبان فارسی غالباً تلفظ نمی‌شود مانند: (۱)

"saʔat → sāat"

اما همزه میانی که قبل یا بعد از صامت قرار گیرد در زبان فارسی نقش تمایز دهندگی دارد و باعث تمایز معنا می‌شود مانند:

| | |
|---------|--------|
| /saʔd/ | /sad/ |
| /baʔd/ | /bad/ |
| /raʔd/ | /rad/ |
| /jaʔd/ | /jad/ |
| /taʔn/ | /tan/ |
| /raʔs/ | /ras/ |
| /baʔs/ | /bas/ |
| /roʔb/ | /rob/ |
| /marʔi/ | /mari/ |

همانگونه که ذکر شد همزه میانی که بین دو مصوت واقع شود نقش تمایز دهندگی

خود را از دست میدهد و متباین نیست مانند :

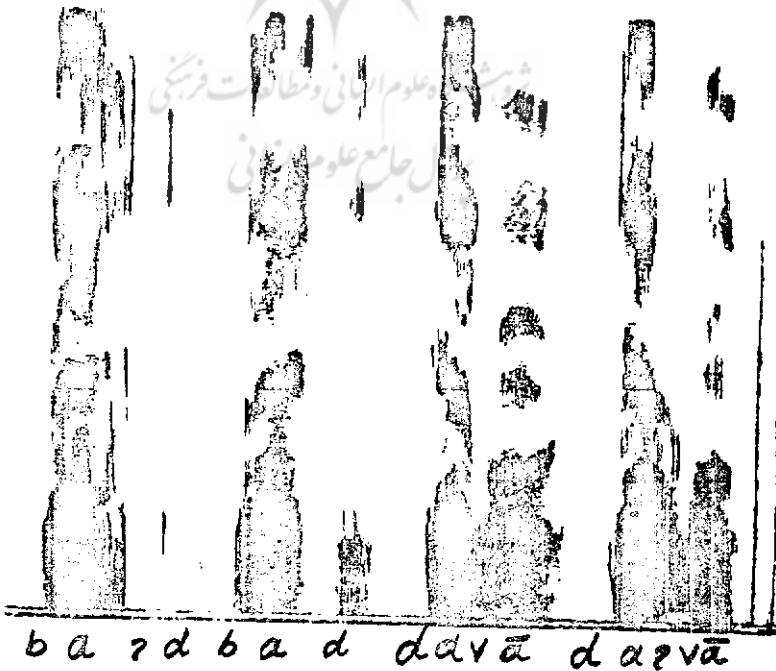
/baʔid/ /baid/

/doʔā/ /dā/

همانگونه که ملاحظه میشود حذف همزه میانی در دو کلمه اول باعث افزایش امتداد صوتهای بعد از همزه میشود. در آوانگاشته زیر خاصیت بستی همزه میانی در کلمه /baʔd/ که اظاهر گشته است خط عمودی قبل از صامت /d/ در کلمه فوق نشانه این بستواج است، در حالیکه در کلمه bad فقط مصوت /a/ زمان بین b و a را اشغال کرده و هیچگونه بستی دیگر بین اینها وجود ندارد خطوط قائم روی d در کلمه bad نشانه آوایی بودن این واج است آزمایشها نشان میدهد که همزه از بستواجهای بی واك است و در زبان فارسی معادل واكبر (آوایی) ندارد.

PINE BROOK N. J. TYPE B-65 SONAGRAM ©

55



در کلمه /davā/ ملاحظه میشود که پس از مصوت /a/ هیچگونه علامت بستنی روی آوا نگاشته و جود ندارد، در حالیکه در کلمه /daʔvā/ بعد از مصوت مذکور خطوط عمودی نشانه وجود بستواج همزه است. لازم بتذکر است که انسدادی بودن همزه در کلمه اول آوا نگاشته مذکور بیشتر از کلمه اخیر الذکر است همزه در زبان فارسی در پایان کلمات دارای نقش تمایز دهندگی میباشد و متباین است مانند کلمات زیر :

| | |
|--------|-------|
| /suʔ/ | /su/ |
| /tabʔ/ | /tab/ |
| /jamʔ/ | /jam/ |
| /manʔ/ | /man/ |
| /sarʔ/ | /sar/ |
| /farʔ/ | /far/ |
| /dafʔ/ | /daf/ |
| /jozʔ/ | /joz/ |
| /juʔ/ | /ju/ |
| /balʔ/ | /bal/ |

کلمات ردیف چپ دارای واج پایانی همزه است، در حالیکه بجای این واج در کلمات ستون راست صفر قرار دارد و تمایز معنایی در هر يك از ستونها با کلمه مقابل خود فقط در اثر وجود یا عدم همزه پایانی میباشد.

« گاه در کلمات فارسی در تلفظ ادبی بین واژه و پسوند همزه ظاهر میشود

مانند "pāʔin" (۱)

در این قبیل کلمات و واژه‌های دیگر در تلفظ عادی i یا y یا o بکار می‌رود مانند:

mobed-pāin-toi-paiz-pain-šeyx-bahāi

گاه همزه در فارسی محاوره از بین می‌رود و بجای آن مصوت ماقبل امتداد زمانی

بیشتری می‌یابد مانند :

baʔd bad

saʔdi sadi

daʔvā davā

که در حقیقت کشش اخیر الذکر با مصوت کوتاه نظر آن متباین می‌شود و بعبارت دیگر همین امتداد زمانی جانشین همزه می‌گردد چنانکه در مثالهای زیر امتداد مصوت تنها عامل تمایز دهنده و متباین بشمار می‌رود :

/dāvā/ /dāvā/

/bād/ /bād/

هرگاه حذف همزه پایانی باعث ابهام نشود، این امر تحقق پذیرفته و همزه‌های

پایانی ادا نمی‌شود مانند :

enšāʔ → enšā

emzāʔ → emzā